



Parents' responsibility in children's media upbringing with a jurisprudential approach

Aliasghar Yaghoobi¹
Roqiasadat Momen(Ph.D.)²

 0000-0000-0000-0000
 0000-0000-0000-0000

Abstract

The ruling on the necessity and merit of media education for children is not only ruled by Sharia, but also by reason. Due to their young age and lack of experience, children are highly exposed to the harmful effects of the media, which threatens their mental health. Among the serious harms of the media are the display of vulgarity and violence, thoughts on the media, isolation, aggression, immoral relationships in the virtual space, the publication and publication of doubts and insults to the holy things and religious beliefs that cause a wavering in religious beliefs. With this large volume of media damage, any common sense will decide to remove its damage and damage through media education and education, and since their children are not able to recognize these damages and face the audio-visual attractions and the induction of anti-religious beliefs, they can They do not have resistance, in addition to the primacy of reason and narration, and the way of the law, according to the Shari'i evidence, including the verses, traditions and rules of jurisprudence that have been examined in detail; It is obligatory on the family to provide the educational platform necessary for the education of media literacy. The process of media education of children can be done in three stages and three methods and in three different age periods, which are: the first stage is the method of informing and giving insight, the second stage is the method of preaching and dialogue. Compassionately, and the third stage of the good argument method in three periods of childhood, distinction and youth.

Keywords: Educational jurisprudence, family, media education, media literacy, media damage, parents, children.

1- PhD student in Jurisprudence and Judicial Law Higher Center of Specialized Jurisprudence
amiralmumenin110@gmail.com

2- Roqiasadat Momen/aculty member Assistant Professor of Imam Sadiq University, Branch of Sisters
sadamomen@isu.ac.ir

مسئولیت والدین در تربیت رسانه‌ای فرزندان با رویکردی فقهی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۰

سیدعلی اصغر یعقوبی^۱

رقیه السادات مؤمن^۲

چکیده

حکم به لزوم و شایستگی تربیت رسانه‌ای فرزندان را نه تنها شرع که عقل نیز حکم بدان دارد. فرزندان به علت سن کم و نداشتن تجربه به شدت در معرض آثار مخرب و سوء رسانه‌ها قرار دارند که سلامت روحی آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد. از جمله آسیب‌های جدی رسانه، نمایش ابتذال و خشونت، اعتیاد به رسانه، انزوا، پرخاشگری، روابط غیراخلاقی در فضاهای مجازی، نشر و انتشار شباهت و توهین به مقدسات و عقاید دینی که موجب تزلزل در باورهای دینی می‌گردد، می‌باشد. هر عقل سلیمی با این حجم وسیعی از آسیب‌های رسانه، حکم به دفع ضرر و آسیب‌های آن از طریق تحصیل سواد و تربیت رسانه‌ای خواهد داد، و از آنجاکه فرزندان خود قادر به تشخیص این آسیب‌ها نبوده و در مقابل جذابیت‌های سمعی-بصری و القائات باورهای ضددینی توان مقاومت را ندارند، مضاف بر رجحان عقلی و نقلی، و سیره متشرعه، حسب ادله شرعی، از جمله آیات، روایات و قواعد فقهی که به تفصیل بررسی شده‌اند؛ بر خانواده واجب است بستر تربیتی لازم جهت تحصیل سواد رسانه را مهیا سازد که فرایند تربیت رسانه‌ای فرزندان را می‌توان در سه مرحله و سه روش و در سه دوره سنی مختلف که عبارت‌اند از: مرحله اول روش آگاهی‌بخشی و بصیرت‌دهی، مرحله دوم روش موعظه و گفتگوی دلسوزانه، و مرحله سوم روش جدال نیکو در سه دوره سنی کودکی، سن تمییز و سن جوانی، محقق ساخت.

واژگان کلیدی

فقه تربیتی، خانواده، تربیت رسانه‌ای، سواد رسانه، آسیب‌های رسانه، والدین، فرزندان.

۱- دانشجوی دکتری فقه و علوم قضایی مؤسسه عالی فقه تخصصی قم، قم، ایران.

amiralmumenin110@gmail.com

۲- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پردیس خاوران، تهران، ایران.

sadatmomen@isu.ac.ir

مقدمه

فقهها در موضوعات مختلف فقهی مثل حضانت (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۳۱۴) و عبادات (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۵، مسئله ۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳، صص ۳۶۰-۳۶۱)، به صورت ضمنی به وجوب تربیت اولاد در تعلیم و پذیرش اعتقادات راستین، تعلیم احکام واجب شرعی، و به طور کلی هر آنچه شارع مقدّس به انجام یا تحقق نیافتن آن در خارج مهم دانسته، پرداخته‌اند، مانند منع کودکان از موضوعاتی که برای آن‌ها مضرّ می‌باشد و شارع در پذیرش عقاید حقه و احکام واجب به بررسی پرداخته‌اند (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۹؛ انصاری، بی‌تا، ص ۶۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۳، صص ۷۴-۷۵، مسئله ۳۶).

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی در این خصوص می‌فرماید: «بر ولی کودک لازم است که او را از آنچه موجب فساد اخلاق می‌شود، محافظت نماید تا چه رسد به آنچه مضرّ به اعتقادات وی می‌باشد» (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۱۳، مسئله ۱۱).

آیت‌الله گلپایگانی نیز در این باره می‌گوید: «والدین موظّف‌اند کودکان خود را در جهت کسب اخلاق کریمه و آداب پسندیده تربیت نمایند و بر انجام کردار نیک و صفات مردانگی و کرامت عادت دهند و از آنچه به حال خود و دیگران مضرّ است، منع نمایند و به طور کلی ولی کودک وظیفه دارد او را به انجام آنچه صلاح و خیر است، ترغیب و تشویق نماید. تنبیه و تأدیب اطفال در این‌گونه موارد ظلم نیست بلکه احسان به آن‌ها است تا در زندگی دنیا سعادت‌مند و به نعمت‌های الهی در آخرت دسترسی پیدا کنند (گلپایگانی، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۲۱۲-۲۱۳).

در عصر حاضر یکی از ساحت‌های مهم و بلکه اهم تربیتی، حیطة رسانه و آموزش و تربیت بهره‌مندی از رسانه است. والدین در این ساحت پُرخطر که نه تنها در سایه تهاجم‌های فرهنگی اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جامعه تحت‌الشعاع قرار گرفته است که اعتقادات و باورهای راستین اسلامی نیز تحت‌الشعاع انواع محتواهای رسانه‌ای است که نظام‌های غربی سعی در ابطال یا کمرنگ کردن آن دارند؛ لذا نظر به تکلیف‌گرا بودن جامعه اسلامی، بررسی فقهی تکلیف خانواده در تربیت رسانه‌ای فرزندان در رأس مسائل تربیتی بایسته پژوهش و تحقیق است.

۱- مفهوم‌شناسی

در ابتدا به صورت مختصر به مفهوم‌شناسی اصطلاحاتی می‌پردازیم که پژوهش پیش‌رو بر آن‌ها تکیه دارد.

۱-۱- فقه تربیتی

با در نظر داشت دو مفهوم «فقه» و «تربیت» می‌توان «فقه‌التربیة» را چنین تعریف نمود: «بخشی از دانش فقه است که به تعیین حکم رفتارهای مربیان و متربیان می‌پردازد و یکی از حکم‌های پنج‌گانه را برای رفتارهای آنان بیان می‌کند؛ البته استنباط احکام رفتارهای تربیتی، کارکرد اصلی و بالذات «فقه‌التربیة» است. تربیت به‌عنوان فرایند، همواره با فعالیت و اقدام مربی و گاه فعالیت متربی در مقام تربیت همراه است؛ خواه مربی بودن و متربی بودن در یک فرد تحقق یابد، خواه در دو فرد. از آنجاکه هر رفتار اختیاری انسان، الزاماً به یکی از احکام پنج‌گانه تکلیفی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) یا احکام وضعی متّصف می‌گردد و رفتارهای مربی و متربی در ضمن فرایند تربیت نیز از این قاعده مستثنی نیست، در نتیجه فقه‌عهددار تعیین حکم شرعی برای اقدامات و رفتارهای مربی - به‌معنای عام آن - و رفتارهای متربی خواهد بود (رازقی، ۱۳۸۱).

مربی - به‌معنای عام - و رفتارهای او، می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد؛ مثلاً دولت و حکومت به‌عنوان یکی از دستگاه‌های تأثیرگذار در تربیت، دارای رفتارهایی از قبیل هدف‌گذاری‌های کلان تربیتی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و گاهی تهیه محتوای آموزشی، مدیریت و اجرا می‌باشد که بدون شک، هر کدام تأثیرات کلان آموزشی و تربیتی بر فرایند مذکور داشته و با توجه به این آثار، موضوع حکم شرعی نیز قرار خواهد گرفت.

رسانه‌های گروهی نیز در اشکال و انواع مختلف خود تأثیراتی قطعی تربیتی بر مخاطبان و جامعه دارند و از این‌رو رفتارهای آنان هر یک محکوم به حکمی از احکام شرعی خواهد شد؛ مثلاً در بین شیوه‌های ژورنالیستی، انواع تبلیغات مجاز و غیرمجاز حقیقت‌مدار و اغواگرانه، تحریک و سوق دادن مردم، ممانعت و جلوگیری از برخی اقدامات، نشر یا حذف

دسته‌ای خاص از خبرها و... هر کدام، آثاری گاه بس شدید و نیرومند در جامعه بر جای می‌گذارد که قطعاً می‌تواند موضوع بررسی‌های فقهی قرار گیرد.

۱-۲- مفهوم تربیت

تربیت، مصدر باب تفعیل است که ریشه آن «ربب» یا «ربو» می‌باشد. به نظر می‌آید علی‌رغم اینکه ممکن است مصدر تربیت به هر دو ریشه برگردد، ولی بیشتر به معنای پروردن معنوی و از ریشه «ربب» است، چنانکه لغویون به این معنا مایل گشته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱).

تربیت در اصطلاح عبارت است از: «فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و به‌طور کلی پرورش و شکوفایی استعداد‌های متربی، به‌گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی، به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر شود» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

منظور ما از تربیت رسانه‌ای از منظر فقه تربیتی عبارت است از: مجموعه رفتار و فعالیت‌های والدین شرعاً باید برای انتقال اطلاعات و آگاهی‌بخشی به فرزندان، از آسیب‌های رسانه و نیز ایجاد و کسب مهارت در فرزندان، در حوزه تعامل با رسانه؛ انجام دهند؛ بنابراین تربیت رسانه‌ای فرایندی آموزشی - پرورشی اصول و روش‌هایی به فرزندان است که در نتیجه آن فرزند برای شکل‌دهی باورهای اسلامی - ایرانی، اقناع فکری، پذیرش قلبی و التزام درونی به دستورات عمل‌های والدین در تعامل نیکو با رسانه انجام خواهد داد (تعریف نویسنده).

۱-۳- مفهوم فقه

معنای فقه در لغت و اصطلاح در عین تقارب و نزدیکی‌ای که به هم دارند، در سعه و ضیق مصادیق از هم متفاوت می‌باشند.

۱-۳-۱- معنای لغوی فقه

بعضی از لغت‌شناسان عرب، واژه فقه را به مطلق، فهم، علم و ادراک معنا کرده‌اند

(ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲): اما کتب لغت دیگری وجود دارد که در تفسیر واژه فقه تصریح می‌کنند که «فقه» به معنای مطلق آگاهی و درک نیست بلکه با نوعی استنتاج، تعمق، تأمل و شکافتن کلام همراه است؛ به عنوان مثال راغب که به تعبیر بعضی از صاحب‌نظران، لغوی تیزچنگی در یافتن معنای اصلی و دقیق است، می‌گوید: «فقه آن است که انسان با استنتاج از معلومات و قضایای بالفعل و موجود، به مجهولی دست یازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۴۲). همچنین ابوهلال عسکری در الفروق اللغویة می‌نویسد: «فقه آن است که انسان با دقت و تأمل، پی به مقتضای کلام ببرد؛ لذا به کسی که مخاطب شماسست، می‌گویید: «تفقه ما أقوله؛ یعنی در آنچه می‌گویم تأمل کن تا بر آن واقف شوی» (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۸۰).

۱-۳-۲- معنای اصطلاحی فقه

فقه در ابتدا معنایی کلی، جامع و مرادف لفظ شرع به کار می‌رفت و علم فقه یعنی علم به هر آنچه که به عنوان دین از جانب خداوند آمده است، اعم از اصول دین و تعالیم اخلاقی و اعمال جسمانی و معرفت نفس و علوم قرآنی. فقهی که در آیه شریفه «فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا فی الدین» (التوبة: آیه ۱۲۲) واجب شمرده شده است، فقه به همین معنا است که آن را «فقه اکبر» نامیده‌اند (هروی شافعی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۲۶). به مرور زمان بسیاری از این علوم به تدریج تخصیص یافته و از علم فقه مستقل شدند. بدین ترتیب، تعریف اصطلاحی فقه منحصر شد به «علم به احکام فرعی شرعی مستنبط از روی ادله تفصیلی» (جوهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۲).

مقصود از احکام فرعی، احکام مربوط به افعال و ترک مکلّفان است، با قید «فرعی» دانش‌هایی مانند اصول دین و اصول فقه از تعریف خارج می‌شود. با قید ادله تفصیلی، فقه تقلیدی یعنی علم مقلد به فتوای مرجع تقلید، از تعریف اصطلاحی فقه خارج می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

۱-۴- مفهوم رسانه

واژه رسانه در زبان فارسی واژه نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود. این واژه که گاه

به معنای مفرد و گاه به معنای جمع به کار می‌رود، معادلی برای واژه Medium (رسانه) و نیز Media (رسانه‌ها) است (کازنو، ۱۳۶۵، ص. ۱۲۰).

با توجه به گسترش و پیشرفت علم و فناوری در عرصه‌های مختلف، در بحث ارتباطات و رسانه‌ها نیز شاهد گسترش چشمگیر و روزبه‌روز ابزار ارتباطی و رسانه‌ای هستیم؛ در مجامع علمی و محافل اندیشه‌ای انواع مختلفی از رسانه‌ها بیان شده است که ما در اینجا در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) رسانه‌های مکتوب یا نوشتاری؛ مانند: انواع نشریات، مطبوعات، کتاب، مجلات (اعم از الکترونیکی یا سنتی)؛

ب) رسانه‌های شنیداری؛ مانند: رادیو، نوار کاست و...؛

ج) رسانه‌های دیداری - شنیداری؛ مانند: تلویزیون، سینما، رایانه، اینترنت، ماهواره (داوودی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۱).

۲- نقش رسانه در تربیت

رسانه‌ها، به سبب ویژگی‌های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت انسان دارند، دارای اهمیت چشمگیری هستند. قدرت رسانه‌ها نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت انسان، آنقدر مهم است که برخی معتقدند رسانه‌ها قادرند نسل جدیدی در تاریخ انسان به وجود آورند، نسلی که از لحاظ رفتار، افکار و نحوه تعامل با دیگران، با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشند (احسانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳).

درجه تأثیر رسانه در جوامع به حدی است که آموزش رسانه به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان و نوجوانان از طریق مشاهده و تقلید آنچه را که می‌بینند، فرامی‌گیرند، بر اساس نظریه شناختی، ظرفیت شناختی کودکان و نوجوانان در مراحل مختلف متفاوت است و مشخص‌کننده آن است که از رسانه چه ادراکی دارند (برقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲)؛ لذا متناسب با سن می‌توان به سهولت و با کیفیت بهتری مفاهیم والای اعتقادی و اخلاقی را به آنها آموخت و به آن باورمند ساخت.

در همین راستا هست که امام خمینی به دست‌اندرکاران صداوسیما سفارش می‌کند: «دستگاه تلویزیون یا رادیو باید آموزنده باشد. باید به جوان‌های ما قدرت بدهد و آنها را

نیرومند کند. از راه سمع و بصر بهتر می‌شود آنان را تربیت کرد؛ برای اینکه همه گوش می‌کنند و جوان‌ها هم گوش می‌کنند. آنچه که در استفاده از رسانه‌ها حائز اهمیت است این است که اگرچه انسان‌ها می‌توانند از این ابزارهای فرهنگی نوین و جدید در راه رسیدن به تربیت صحیح استفاده کنند؛ اما نباید از این نکته غفلت ورزند که این وسایل می‌تواند انسان‌ها را به انحراف، فساد و انحطاط سوق دهند». ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «این دستگاه‌ها که مریبان فرهنگی جامعه امروزاند، باید وسیله تربیت ملت باشند، یعنی نه تنها نباید با اشاعه ابتدال مانع رشد فرهنگی و ضدتربیتی شوند بلکه باید مربی بوده و جامعه را تربیت کنند» (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۲۰۰).

در این میان از جمله کارکردهای مثبت رسانه برای تربیت فرزندان عبارت‌اند از: نقش آموزشی رسانه، کمک به رشد مهارت‌های اجتماعی، الهام‌بخشی، کمک به رشد مهارت‌های خواندن و نوشتن و

رسانه می‌تواند خانواده‌های نمونه را برای بینندگان از جمله فرزندان معرفی کند و بر ارزش‌های خاصی تأکید ورزد یا برخی از مسائلی که برای اعضای خانواده (دختران و پسران) مهم هستند، به آنها ارائه دهد. در این میان، فرزندان، نقش‌های خانوادگی و الگوهای مذهبی و ملی خود را در خلال برنامه‌های متنوع و مختلف رسانه‌ها می‌یابند (فراهانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۳).

۳- پیامدهای منفی رسانه در خانواده

رسانه‌ها در گذر زمان به درون خانواده راه یافته، بر ساخت آن تأثیر عمیقی گذاشتند. کازنی معتقد است: رسانه‌ها به دو صورت اعتقادات ما را دگرگون می‌سازند: اول، وسوسه مقاومت‌ناپذیر رسانه‌های همگانی است که ما را به نوعی وابسته، گرفتار کرده و به مشارکت می‌کشاند. دوم، سیل اطلاعاتی است که به وسیله رسانه‌ها جاری می‌شود و اگر همه را هم باور نکنیم ولی به مرور از برخی اعتقادات خود دست برمی‌داریم (ترابی‌زاده، ۱۳۹۹، ج ۵۱، ص ۱۰۸).

در این میان فرزندان در سنین نوجوانی به‌خاطر نداشتن تجربه به‌شدت در معرض آثار منفی و مخرب رسانه‌ها قرار دارند که سلامت جسمی و روانی آنان را مورد تهدید

قرار می‌دهد. از طرفی بین پیامدهای منفی رسانه و بیماری‌ها و اختلالات روحی روانی رابطه مستقیم وجود دارد.

از جمله آسیب‌های جدی رسانه، نمایش تصاویر غیراخلاقی و خشونت‌آمیز است که در معرض دید نوجوانان قرار می‌گیرد. همچنین ارتباط ناسالم در فضاهای مجازی، توسط نوجوانان مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد که بستر سوءاستفاده‌های بسیاری توسط افراد شیاد از این اتاق‌ها را فراهم ساخته است. از سوی دیگر خطر ناشی از پذیرش اطلاعات نادرست و غیراخلاقی موجود در رسانه‌ها، ممکن است بسیار زیان‌بارتر از تصاویر مستهجن باشد؛ لذا بر عهده خانواده است که نوجوانان و جوانان را طوری راهنمایی و تربیت کنند که فرا بگیرند چگونه پیام‌ها را شناسایی کنند تا از اطلاعات گمراه‌کننده یا تصاویر زیان‌آور مصون بمانند.

۴- مبانی فقهی تعهدات خانواده نسبت به تربیت فرزندان

ادله شرعی وجوب تربیت فرزندان را می‌توان در دو بخش عام و خاص مورد بررسی قرار داد. ادله عام قواعد فقهی‌ای از جمله قاعده ارشاد جاهل، قاعده هدایت و قاعده اعانه بر نیکی هستند که به صورت کلی دلالت بر وجوب تعلیم و تربیت دارند. در بخش ادله خاصه مضاف بر دلیل عقلی و سیره عقلاء، برخی آیات قرآن از جمله آیه وقایه، آیه ائتمار و آیه مضاره بحث شده است. هر یک از این ادله را می‌توان در حیطة و ساحت خاصی از تربیت مثل تربیت رسانه‌ای بررسی نمود.

۴-۱- قواعد فقهی

۴-۱-۱- ارشاد جاهل

ارشاد جاهل در احکام و برخی موضوعات مهم که شارع راضی به انجام آن نیست، بر عالم واجب است (علامه حلی، ۱۴۰۱، صص. ۴۸-۴۹؛ شاهرودی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص. ۱۰۵؛ عراقی، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۱۷۲).

منظور از عالم نیز صرفاً علمای قوم نیستند بلکه هر کسی که نسبت به اصول و عقاید دین و احکام شریعت علم داشته باشد، بر وی واجب است که جهال را تعلیم دهد و تفاوتی

ندارد که جاهل قاصر باشد یا مقصر (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۹).

مستندات قاعده ارشاد شامل ادله نقلی و عقلی می‌باشد. در ادله نقلی آیات (آیه نفر) (توبه: آیه ۱۲۲) و (سوال) (نحل: آیه ۴۳) که عموم فقهاء (خمینی، ۱۴۱۸ق، ص ۹۲؛ شاهرودی، ۱۳۸۱، ج ۲۹، ص ۱۹۲؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، صص ۶۷-۶۸) دلالت آنها بر وجوب ارشاد را پذیرفته‌اند. همچنین روایاتی چون روایاتی که دلالت بر وجوب نصیحت (کلینی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۸) و دعوت به خیر و وجوب بیان و تبلیغ احکام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۸) و بذل علم (کلینی، ج ۱، صص ۴۰-۴۱) وجود دارد که ارشاد جاهل را لازم می‌شمارند. از ادله عقلی وجوب ارشاد نیز قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است که فقهاء به استناد آنها حکم عقل را بر وجوب ارشاد تمام می‌دانند (صدر، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۹؛ خویی، ۱۳۶۸، ج ۵، صص ۴۷۴-۴۷۷).

با در نظر گرفتن قاعده ارشاد جاهل والدین نسبت به تربیت و تعلیم فرزندان خود وظیفه دارند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۵) چه در حوزه تعلیم احکام و چه در حوزه موضوعات اهمّ و مسائلی که امروزه جزء مسائل اصلی تربیت قرار گرفته است؛ همچون آموزش سواد رسانه‌ای که تربیت صحیح فرزندان در سنین بالاتر منوط به تعلیم آن در سنین کودکی و خردسالی است. با توجه به اهمیت موضوع و جذابیت تولیدات و محتواهای رسانه‌ای و غایت قاعده ارشاد و عنایت به مصادیق مفهوم عالم، پی می‌بریم که حکم الزام در این قاعده صرفاً متوجه والدین نیست و دیگر نهادهای تربیتی جامعه همچون حکومت و نهادهای آموزشی نسبت به ارشاد فرزندان در مصرف بهینه از رسانه وظیفه دارند.

۴-۱-۲- قاعده هدایت

مفاد این قاعده عبارت است از فرایند و اقدام‌های تربیتی خاص که بعد از آگاهی بخشی فرد به اصول و روش‌های اسلامی انجام می‌گیرد، با این هدف که فرد بدان آگاهی‌ها التزام قلبی پیدا کرده از خطرات و انحرافات مصون بماند. در اثبات این قاعده می‌توان به برخی از آیات قرآن از قبیل آیه دعوت (آل عمران: آیه ۱۰۴)، آیه قول احسن (فصلت: آیه ۳۳) و آیه جدال احسن (نحل: آیه ۱۲۵) استناد کرد.

از ادله روایی می‌توان به روایات باب «تعلیم الخیر و تعلیم باب هدی» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۶) و صحیحہ محمد بن مسلم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵) و صحیحہ ابی عبیدہ حذاء (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵) اشاره داشت.

برپایه آیه دعوت، قاعده هدایت بر الزام دلالت دارد؛ اما آیه قول احسن، بر بعث رجحانی دلالت دارد و از بررسی روایات می‌توان چنین برداشت کرد که بر هدایت‌گری دلالت دارند؛ اما وجوب هدایت از آن‌ها قابل برداشت نیست؛ بنابراین در یک جمع‌بندی از دلالت ادله باید گفت قاعده هدایت به دو ریز قاعده تقسیم می‌شود. قاعده هدایت و فعالیت‌های هدایت‌گرانه نسبت به احکام و معارف حقه که الزامی هستند و قاعده رجحان و استحباب هدایت در سایر شئون و ساحت‌های تربیتی که رجحان دارند.

قلمروی قاعده هدایت گستره وسیعی دارد. با این بیان، اقدام علمی، بروز یک نوع رفتار یا برنامه‌ریزی منسجم، زمینه تغییر و هدایت دیگری فراهم می‌شود. شکی نیست که مصداق قطعی هدایت این است که دیگران را به وسیله قول و گفتار، به انجام تکلیف و ترک محرّمات پایبند کرد و اموری از نوشتن، نقاشی، رسانه همگی از ابزارهای هدایت و انتقال و نهادینه کردن مفاهیم تربیتی شمرده شده است.

۴-۲- آیات قرآن

در اثبات مکلف بودن خانواده به امر تربیت فرزندان، بالاخص در ساحت تربیت رسانه‌ای می‌توان به آیات متعددی استدلال کرد.

۴-۲-۱- وجوب حفظ خود و خانواده از عذاب الاهی

طبق مفاد آیه وقایه که خداوند عزوجل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید؛ چنان آتشی که مردم و سنگ، آتشفروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشتخو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند» (تحریم: آیه ۶).

خداوند به هر شخصی امر می‌کند که خانواده خود را از آتش ننگه دارد؛ آن هم نه پس از ترک معروف و ارتکاب منکر - طبق مفاد ادله امر به معروف و نهی از منکر - و این

معنایش پیشگیری از معصیت و مستحق عذاب الهی شدن است، و حصول پیشگیری محقق نمی‌شود مگر با تعلیم و تربیتی که موجب شود افراد خانواده در طول حیات خود راه تقوی و پرهیزکاری را پیموده و سعادت دنیا و آخرت خویش را به دست آورند، چرا که تربیت روش ایجاد ملکات اخلاقی در هر فردی است که می‌تواند او را ملتزم به معروف و پرهیز از منکر نگه دارد؛ بنابراین بر اساس امر آیه، هر فردی مکلف به تربیت نزدیکان خویش به نحو مقتضی است. چنان‌که یکی از محققان عرصه فقه و تربیت می‌گوید: «صیانت اهل خویش از آتش، به این معناست که باید زمینه انجام واجبات و ترک محرمات را برای اهل خویش فراهم کرد و برای اینکه اهل نیز به فعل واجبات و ترک محرمات همت گمارند، باید به یک سلسله تدابیر آموزشی و پرورشی روی آورد. این اقدامات می‌تواند در حوزه تغییر شناخت و آگاهی و یا در حوزه تغییر امیال و گرایش‌ها و یا تغییر رفتارها باشد و مسلم است که آگاهی‌بخشی در صدر روش‌های تربیتی جای دارد و آموزش و انتقال اطلاعات، مقدمه هر نوع تغییر رفتار و تغییر شخصیت محسوب می‌شود» (اعرافی، ۱۳۹۵، ص. ۴۰).

شهید ثانی در این مقام می‌فرماید اگر یادگیری بعضی از واجبات، متوقف بر اشتغال به این واجبات پیش از بلوغ باشد، بر ولی واجب است که آنها را پیش از بلوغ فرزندش از باب امور حسبیه به او بیاموزد بلکه امر مطلق اهل به آنچه ایشان را از آتش نجات بخشد در روایات وارد شده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص. ۳۸۰). این فقیه بزرگ از عبارت «وجوب علی الولی» استظهار وجوب نموده که معنایش وجوب تربیت است.

مرحوم خوئی در ذیل آیه چنین می‌فرماید: «با توجه به این آیه شریفه، بر پدران واجب است که نسبت به تربیت اسلامی فرزندان‌شان اهتمام ورزند و این همان ترغیب آنان بر انجام واجبات و ترک محرمات است (خوئی، بی‌تا، ج ۳۲، ص. ۱۲۲).

۴-۲-۲- لزوم مشورت در امور تربیتی فرزندان

امر تربیت فرزندان بدون هماهنگی و انسجام در فرایند تربیتی و تعامل یکپارچه والدین با فرزندان امکان‌پذیر نیست؛ لذا قرآن کریم ضمن تأکید بر این مهم تلویحاً به تکلیف خانواده به تربیت فرزندان نیز اشاره داشته می‌فرماید: «وَأْمُرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق: آیه ۶)،

درباره فرزندان، کار را با مشاوره شایسته انجام دهید.

«واتمروا» از ماده «ایتمار» به معنی مشاوره می‌باشد. تعبیر به «معروف» هم تعبیر جامعی است که هرگونه مشاوره‌ای که خیر و صلاح در آن باشد را شامل می‌گردد. به هر صورت، این جمله خطاب به زوجین (پدر و مادرِ طفل) است. آیه در مقام بیان حکم طلاق و اجرت شیردادن فرزند به همسر است و از آن استفاده می‌شود بر زوجین واجب است در مورد فرزند مشاوره شایسته و نیکو داشته باشند و از آن‌جا که امر به مشاوره، مطلق است، اختصاص به مورد، یعنی مسئله شیردادن طفل ندارد؛ بنابراین تربیت اطفال به مفهومی که در این بحث مقصود است را نیز شامل می‌گردد و بر پدر و مادر واجب است در این باره با یکدیگر مشورت نمایند. این معنی از کلمات مفسران در ذیل آیه به دست می‌آید (طوسی، ج ۱۰، ص ۳۷؛ طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۸).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، می‌نویسد: «در آیه مورد بحث، ائتمار به صیغه امر آمده و خطابش به زن و مرد است و می‌فرماید درباره فرزند خود مشورت کنید تا به طور پسندیده به توافق برسید به گونه‌ای که هیچ‌یک از شما و فرزندتان متضرر نشوید» (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۳۱۷).

۴-۲-۳- نهی از اضرار به فرزندان (ترک تربیت فرزندان)

فرزندان امانت‌های الهی در دستان والدین هستند؛ لذا برای شارع مقدس اهمیت دارد که والدین نه تنها در رشد جسمانی که در کمال روحی و معنوی فرزندان کوتاهی نکرده و از این راه موجب ضرر رساندن به آنها نشوند. هیچ‌کدام از پدر و مادر حق ندارند به فرزند ضرر بزنند: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره: آیه ۲۳۳).

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: مادر نباید نسبت به آنچه بر او واجب است، مانند شیر دادن و غذا دادن و ... به کودک ضرر بزند، همچنین پدر نباید در آنچه مربوط به اوست، مانند نفقه طفل و مادرش و محافظت از او و دیگر تعهداتی که نسبت به کودک دارد، به او ضرر برساند (طوسی، ج ۲، ص ۲۸۵). عبارت برخی از مفسران دیگر نیز این‌گونه می‌باشد (فخرالدین رازی، ج ۶، ص ۴۶۲؛ طبرسی، ج ۲، ص ۱۱۴).

نتیجه آنکه بدیهی است ترک تعلیم و تربیت طفل به معنایی که در این بحث مقصود

است، ضرر بر طفل است و از آن نهی شده است، بنابراین انجام آن واجب و متولی آن پدر و مادر می‌باشند؛ لذا در عصر حاضر که رسانه به مهمترین ابزار در ابعاد مختلف زندگی بشر تبدیل شده؛ رها کردن فرزندان در دامن تولیدات و محتویات مخرب اخلاقی و اعتقادی، قطعاً موجب تضرر آنها خواهد شد.

۴-۳- روایات

با نظر داشت به ادله یاد شده در وجوب تربیت فرزند؛ می‌توان چنین استظهار نمود که مفاد روایات فراوانی که دلالت بر لزوم تربیت فرزند دارند؛ موید و شاهدهی بر ادله مذکور می‌باشند. چه آن دسته از روایاتی که به اصل لزوم تربیت و تهذیب نفس انسانی می‌پردازند، و چه آن دسته از روایاتی که ناظر به بعد خاصی از تربیت بوده و در ضمن آداب و سنن بیانگر واقعیتی از واقعیات تربیتی می‌باشد؛ به‌عنوان مثال روایتی که بر اهمیت سن متری و نوع روش تربیتی اتخاذی در آن از امام صادق (ع) آمده که می‌فرماید: فرزندت را بگذار تا سن هفت‌سالگی به بازی مشغول باشد، در هفت سال دوم او را ادب و تربیت کن، در هفت سال سوم او را ملازم خود قرار ده، اگر رستگار شد که چه بهتر وگرنه خیری در او نیست. «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَلْفَحَ وَالْأَفْلَاخَ خَيْرٌ فِيهِ» (حرعاملی، ج ۲۱، ص ۴۷۵، باب ۸۳، من ابواب احکام الاولاد، ح ۴).

روایاتی نیز به‌طور مطلق تربیت را حق اولاد می‌داند. مرحوم کلینی در اصول کافی با سند معتبر نقل نموده است، مردی دست فرزندش را گرفته به حضور پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر (ص) فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کن، به‌طور صحیح و شایسته او را تربیت کن و او را در جایگاه خوبی قرار بده. «قَالَ: تَحَسَّنْ أَسْمَهُ وَادَّبَهُ وَضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا» (کلینی، ج ۷، ص ۴۸، باب حق الاولاد، ح ۱).

از این دسته روایات می‌توان چنین برداشت نمود که در تربیت رسانه‌ای فرزندان به مفهوم مصرف درست از آن، که فرزندان کمترین آسیب را از آن متحمل شوند؛ نه‌تنها اصل لزوم آن بایسته و شایسته است که به‌کارگیری روش مناسب با سن فرزند و به‌طور کلی فرایند تربیت رسانه‌ای در سنین مختلف می‌باید از سیاست‌های تربیتی در

عرصه رسانه باشد.

۴-۴- سیره متشرعه

سیره مستمره مسلمانان (متشرعه) این است که اولیا، اطفال خود را ملزم به تربیت آنها می‌بینند و سعی می‌کنند آنها را از انجام آنچه موجب فساد اخلاق است محافظت نمایند. (سبزواری، ج ۲۱، ص ۱۳۰). بعضی از فقها فرموده‌اند: سیره بر تأدیب و تعزیر اطفال نیز وجود دارد (صاحب جواهر، ج ۲۱، صص ۳۸۸-۳۸۹).

بهترین شاهد بر خود محتاطانه و محافظه‌کارانه متشرعان با رسانه‌های نوظهور و بدبینی به آن است؛ لذا از قدیم متشرعان خود و خانواده خود را از مطالعه کتب ضاله، منع می‌ساختند. همچنین در بدو ورود رسانه‌هایی مثل رادیو، تلویزیون و دستگاه پخش ویدئو به سبب ترویج محتویات غیراخلاقی، متشرعان استفاده از این ابزار را مذموم و ناپسند می‌شمردند.

۴-۵- حکم عقل

عقل حکم می‌کند به دفع ضرر محتمل و رها کردن فرزندان در دامن رسانه‌هایی که تولیدات و محتویات ضاله‌ای دارند، نه تنها ضررش محتمل نیست که حسب اسباب قطعی است و این واجب می‌گرداند بر ولی فرزندان، تعلیم و تربیت رسانه‌ای به آنچه موجب حفظ و مصون ماندن وی از خطرات احتمالی و بلکه یقینی محتواهای مخرب رسانه‌ای می‌شود. مضاف بر آن، وجوب حضانت اطفال و نفقه آنها اقتضا دارد تربیت آنان به طریق اولی واجب باشد؛ زیرا نفقه اطفال و امور مربوط به حضانت آنها در ارتباط با مسائل جسمانی است و از اهمیت کمتری برخوردار است، درحالی‌که تربیت صحیح آنها موجب می‌شود به فضایل اخلاقی و کردار نیک و پسندیده روی آورند و به زندگی سعادت‌مندان در دنیا و آخرت دست یابند، چنان‌که کوتاهی در تربیت آنها چه بسا موجب بدبختی و هلاکت و شقاوت دائمی آنها خواهد شد، بدیهی است آنچه مربوط به تربیت و جنبه روحی است، بسیار بااهمیت‌تر از امور جسمانی است، پس باید به طریق اولی واجب باشد.

از مجموع ادله یاد شده اصل لزوم شرعی و عقلی تربیت فرزندان مورد استنباط است.

از سویی با تبیین مخاطرات و مضرات مصرف نادرست از سبده رسانه‌ای، بالاخص برای فرزندان که از تجربه و آگاهی کمتری در مواجهه با آن برخوردارند؛ تربیت رسانه‌ای فرزندان به‌طورخاص از قابلیت بررسی و تأمل بیشتری در ابعاد نظری و عملی برخوردار می‌گردد. ازاین‌رو پس از ذکر ادله لزوم تربیت فرزندان؛ در ادامه به‌صورت مختصر به روش‌ها و سبک‌های عملی تربیت رسانه‌ای فرزندان نیز خواهیم پرداخت.

۵- روش‌ها و سبک‌های تربیتی خانواده در تربیت رسانه‌ای فرزندان

شاید به جرئت بتوان گفت جامع‌ترین و کامل‌ترین اصول و روش تربیتی را خداوند در قرآن کریم مطرح کرده است. آنجا که می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: آیه ۱۲۵)، «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است، و او به هدایت شدگان آگاه‌تر است».

در این آیه سه روش برای به راه خدا آوردن مخاطبان بیان شده است «حکمت»، «موعظه» و «جدال و مجادله». حکمت با بعد عقلی و موعظه با بعد عاطفی ارتباط تنگاتنگی دارد. مجادله نیز در مقام مخاصمه و بحث به کار می‌رود.

در عبارت «سبیل ربک» نکته‌ای که قابل تأمل است، این است که مراد از سبیل‌الله، راه، رفتار و سلوکی است که منتهی به خداوند و رضای او می‌شود. پُر واضح است که این غایت و شکل‌گیری رفتار و سلوک نیازمند فرایند تربیتی است که بایسته است بر اساس نظام و برنامه صورت بگیرد، و تفصیلی که آیه در تبیین روش‌های دعوت به کارگرفته خود گواه لزوم برنامه تربیتی جامع و منسجم است. در ادامه به توضیح مختصر عبارات و کلمات آیه پرداخته و سپس با محوریت روش‌های مذکور، به تبیین روش‌ها و سبک‌های تربیت رسانه‌ای فرزندان می‌پردازیم.

۵-۱- روش اول آگاهی‌بخشی و بصیرت‌دهی به فرزندان

نخستین گام در دعوت به‌سوی شناخت حق از باطل، استفاده از منطق صحیح و استدلال‌ات حساب شده است، و به تعبیر دیگر دست انداختن در درون فکر و اندیشه مخاطب و به حرکت درآوردن آن و بیدار ساختن عقل‌های خفته نخستین گام محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۱۲).

آگاهی‌بخشی و بصیرت‌دهی به فرزندان موجب ایجاد باور عمیق در وجود آنان خواهد شد، به شکلی که کمتر حادثه یا شبهه‌ای موجب تردید و شک آنان خواهد شد؛ البته این امر باید به‌صورتی انجام گیرد که فرزندان را وادار به تعقل و تفکر کند. به‌عبارتی آگاهی‌بخشی زمانی به باور تبدیل می‌شود که خود شخص با تعقل و تفکر نیز به شناخت و درک عمیق واقع رسیده باشد. به این ترتیب تعقل موجب می‌شود که افراد تلاش‌های شناختی خویش را به‌نحوی تحت ضبط و کنترل درآورند که از کجروی در اندیشه مصون مانده، و حب و بعض (هوای نفس) خویش را تحت کنترل قرار دهند (کشاورز، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۸)؛ لذا در تربیت رسانه آنچه ابتدا باید مورد توجه قرار بگیرد، شناخت فرصت‌ها و چالش‌هایی است که رسانه می‌تواند برای افراد خانواده بالاخص فرزندان داشته باشد. روشن است که خود والدین به‌عنوان مربی در اولویت شناخت و درک استفاده صحیح از رسانه و آسیب‌های آن می‌باشند. خانواده‌ای که نه‌تنها همراه و همگام با پیشرفت و فناوری روز رسانه و ارتباطات جمعی نیست، که اصولاً متوجه فرصت‌ها و آسیب‌های احتمالی آن نیز نمی‌باشد. قطعاً ممکن است نه‌تنها شناخت کافی از آسیب‌ها نداشته باشد که فرصت‌ها را از دست داده یا آنها را تبدیل به چالشی جدی در تعامل و تقابل با نسل جدید کند. داشتن آگاهی و اطلاعات لازم در زمینه بهره‌مندی از رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند استفاده ما از رسانه‌ها را مؤثرتر، پویاتر و لذت‌بخش‌تر نماید (مقدس‌زاده، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۲۶).

این دانش و آگاهی را باید حتی‌الامکان قبل استفاده فرزندان از رسانه و یا همزمان با بهره‌وری از آن به آنها آموخت. حتی می‌توان از خود رسانه در آگاهی‌بخشی و کسب مهارت استفاده نمود. بالاخص در دوران کودکی و نوجوانی که فرزند اصولاً با تقلید

الگوپرداری کرده، شخصیت خود را شکل می‌دهد.

اهمیت یادگیری از راه الگوپرداری به این دلیل که می‌توان بهتر و سریع‌تر یاد گرفت؛ در اولویت قرار می‌گیرد. چون تعداد زیادی از فرایندهای کوشش و خطا که در یادگیری مستقیم اتفاق می‌افتد، در یادگیری از طریق الگوپرداری از میان برداشته می‌شود. فرزندان به‌خصوص در دوره کودکی در اعمال خویش از دیگران - عمدتاً پدر و مادر - الگوپرداری و تقلید می‌کند. علت آن نیز ارتباط گسترده و حضور دائمی والدین در کنار فرزندان است که زمینه مساعدی فراهم می‌کند تا قالب رفتار آنها در ذهن و روان فرزندان نقش ببندد و آنها آن را برای خویش شایسته و عمل مطابق شیوه والدین را برای رسیدن به مقصودش مناسب‌تر بیابد (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۲۴).

روش الگویی تربیت، به‌عنوان یک راهبرد کلی در ساحت‌های مختلف تربیت قابل استفاده است. از این رو، جریان روش الگویی در تربیت رسانه‌ای نیز قابل بهره است. والدین در روش الگویی می‌توانند تربیت رسانه‌ای را در رفتار و تعاملات خود با رسانه را به صورت عینی و ملموس در معرض دید کودک قرار دهند. این امر زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا فرزند حدود و موازین مربوط به رسانه و به کارگیری آن را در فضای رابطه نزدیک و عاطفی مؤثر والد و فرزندی، به‌صورت عملی ببیند. مشاهده دیداری، فرصت باورمندی و تثبیت ارزش‌ها را با پیروی از الگو؛ با خطای کمتری فراهم می‌کند.

والدین حتی می‌توانند با استفاده از فیلم و هنرهای نمایشی برای انتقال مفاهیم سبک زندگی سالم و ارزش‌های اخلاقی، به کودکان که در درک مطلب از طریق استدلال ضعیف هستند، در تربیت رسانه‌ای موفق‌تر عمل کنند. چرا که فیلم‌ها از آن جهت که می‌توانند کودکان را، از نظر عاطفی درگیر کرده، و از طریق القای الگوی مناسب، آنها را در موقعیت مشابه با الگو و قهرمان به نمایش گذاشته قرار دهند؛ می‌توانند ابزار ارزشمندی برای تسهیل تربیت رسانه‌ای کودکان و نوجوانان محسوب شوند (چناری، ۱۳۹۶، ص ۹۲۴).

همچنین رسانه با ایجاد باورها و اعتقاداتی که رفتار فرزندان بالاحص نوجوانان را شکل می‌دهند و درونی می‌کنند؛ می‌توانند سبب سلامت و امنیت اخلاقی جامعه شوند.

چرا که رسانه‌ها قابلیت این را دارند که منبع قابل اطمینانی برای ارزش‌های عرفی،

عقاید قالبی، ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های فرزندان ما می‌تواند باشد. باوجوداین برای فرزندان با سنین نوجوانی و جوانی نیز روش‌های برای آگاهی‌بخشی، تعقل و تفکر آنان وجود دارد. در حدیثی از امام صادق (ع) ایشان برای تربیت کودک تا سن رشد سه دوره با سه روش تربیتی متفاوت توصیه و سفارش می‌کنند. در روایت آمده است که حضرت فرمود: پسرت را هفت سال رها کن تا بازی کند و هفت سال ادب شود و او را هفت سال ملازم خود گردان. پس اگر رستگار شد (که خوب است) وگرنه دیگر خیری در او نیست (حرعاملی، ج ۲۱، ص. ۴۷۵، باب ۸۳ من ابواب احکام الاولاد، ح ۴)؛ البته بعضی از نویسندگان از صیغه امری که در این روایت به کار برده شده، استظهار وجوب اتخاذ این روش‌های تربیتی را کردند (مؤمنی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۰).

آنچه در این روایت شایان توجه است، بازی‌محور بودن عنصر تربیتی در دوران کودکی، تأدیب و تربیت وی در دوران نوجوانی و ملازمت و رفاقت با وی در دوره نوجوانی است.

همان‌طور که اشاره شد جذابیت‌های تصویری و هنرهای نمایشی یکی از بهترین ابزار تربیتی برای کودکان است. کما اینکه در دوره نوجوانی با رشد قوه تمییز کودک شایسته و بایسته است، خوب و بد امور را به وی شناخت، وی را بر رفتار و سلوک نیک رشد داد. در این دوره که مهمترین دوره تربیت بوده و فرزند بیشترین الگوبرداری، اطاعت و حرف‌شنوی را از والدین دارد، می‌توان به میزان درک و فهم فرزند، وی را متوجه آسیب‌های احتمالی رسانه ساخت. از جمله مهمترین مرحله از تربیت رسانه‌ای که می‌توان در این سن به فرزندان آموخت، اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در نحوه استفاده از رسانه‌ها (رژیم مصرف رسانه) است. به این معنا که فرزندان ما در این سن، بیاموزند توجه بیشتری به انتخاب درست و صحیح انواع مختلف برنامه‌های رسانه‌ای داشته باشند، به شکلی که به صورت مشخص و معینی به استفاده از تلویزیون، ویدئو، بازی‌ها، اینترنت و... بپردازند، به نحوی که میزان مصرف و مدت زمان استفاده از رسانه را در حد معقول و بهینه قرار دهند. همچنین در این مرحله به فراخور فهم و درک نوجوان بخصوص در سنین نزدیک به بلوغ، می‌توان مهارت‌های ویژه تماشای انتقادی از جمله تحلیل روش

تولید و محتوی رسانه، - پرسیدن این سؤال که این قالب چگونه ساخته شده و از چه فناوری‌های رسانه‌ای در تولید این محتوی بهره گرفته شده؛ و اصولاً سعی در القای چه پیامی دارد؛- را به فرزندان آموخت. آموزش این مهارت این امکان را برای فرزندان فراهم می‌سازد که در برابر هجوم سرسام‌آور القای پیام‌های رسانه‌ای، هویت اسلامی-ایرانی خود را حفظ کند.

وقتی فرزند به دوره سوم تربیتی یعنی جوانی رسید، آنچه طبق فرمایش امام صادق(ع) در این دوره تربیتی محور روش و سبک تربیت قرار می‌گیرد، ملازمت، همراهی و رفاقتی است که والدین بایسته است در تربیت وی مدنظر قرار دهند، و آنچه بیش از هر چیز در رفاقت قابل مشاهده است، گفتگو و ایجاد تفاهم است. در این دوره استفاده از روش‌های فعال که انجام آن مستلزم تلاش عقلانی، جسمانی، عاطفی و اجتماعی جوانان می‌باشد، سبب اعطای شخصیت و هویت به فرزندان شده و موجب قبول بهتر و بیشتر آنان می‌شود. گاهی درگیر کردن گروهی جوانان و فرصت دادن به اظهارنظر و تبادل آراء، آنها را از لج‌پازی و عناد دور نگه می‌دارد، اینکه خودشان با هم و با هیجان در مورد موضوعی تحقیق و مطالعه و تبادل نظر کنند، سبب پویایی آنها خواهد شد.

۵-۲- روش دوم پرورش عاطفه و انگیزه‌بخشی از طریق موعظه نیکو

یکی از روش‌های تربیت رسانه‌ای فرزندان «موعظه» است. موعظه با آگهی‌بخشی و بصیرت‌دهی تفاوت دارد و می‌تواند تأثیر ویژه‌ای در تربیت رسانه‌ای داشته باشد، چرا که این روش خود، مبتنی بر اصل تکریم شخصیت بوده، از اصول مهم تربیتی محسوب می‌شود که طبق آن اقدام تربیتی باید توأم با اکرام و تکریم باشد و در مقابل، همراه با اذلال و تحقیر متربی نباشد (اعرافی، ۱۳۹۵، ص. ۷۴). از این رو به هنگام موعظه، سخن به‌گونه‌ای به شنونده القاء می‌شود که در قلب او نفوذ می‌کند و حالت رقت و صفا و نورانیت در او به‌وجود می‌آورد. برخلاف حکمت که با عقل مخاطب سروکار دارد، موعظه با دل مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. در حکمت، در مقام آگهی‌بخشی، تعلیم و تعلم و در مقام رفع جهل هستیم؛ اما در موعظه در مقام تذکر و بیداری وجدان و فطرت خواهیم بود.

در بسیاری از اوقات آگهی‌بخشی و شناخت آسیب‌های رسانه، نمی‌تواند موجب تضمین تربیت رسانه‌ای فرزندان شود، بالاخص که جذابیت‌های سمعی و بصری رسانه‌ها، فیلم‌ها، بازی‌ها و... و نیز هیجان‌ات نوجوانی و جوانی و کنجکاوی آنها، مانع از آن می‌شود که در مقابل وسوسه‌های رسانه از خود مقاومتی نشان بدهند. بالاخص فرزندان که در دوران کودکی و نوجوانی از تربیت رسانه‌ای برخوردار نبودند، یا از فضای رسانه دور بودند، زمانی که با جذابیت‌های رسانه روبه‌رو می‌شوند، تسلیم مجذوبیت‌های آن شده و خود را در معرض آسیب‌های آن قرار می‌دهند. در این‌گونه موارد که آگهی‌بخشی به سبک تعلیم و تربیتی که در دوره دوم تربیتی پیش گفته اشاره کردیم؛ نه‌تنها بی‌تأثیر که موجب ایجاد اصطحاک و تنش بین خانواده و فرزندان خواهد شد؛ ناگزیر باید از روش موعظه ملاطفت و دلسوزی به تربیت رسانه‌ای فرزند پرداخت؛ البته در روش تربیتی موعظه و نصیحت باید والدین خود دارای شرایط موعظه و نصیحت باشند و توجه به تفاوت‌های سنی و فردی، شرایط روحی و روانی فرزندان و شرایط زمانی و مکانی موعظه داشته باشند؛ مثلاً خانواده خود باید اهل عمل صالح و دارای بینش و اعتقاد سالم باشد؛ چنانچه خداوند در سوره فصلت می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت: آیه ۳۱)؛ چه کسی خوش‌گفتار است از آن کسی که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از «مسلمانانم».

نکته دیگری که خانواده‌ها باید مدنظر قرار بدهند توجه به تفاوت‌های سنی فرزندان است. موعظه و نصیحت کودکان خردسال، با موعظه و نصیحت فرزندان بزرگسال تفاوت دارد. موعظه و نصیحت کودک، می‌بایست همراه با بازی، قصه و داستان باشد؛ بازی که از حیث دلالت، فعالیتی است که مقصود از آن برانگیختن شادی و نشاط است (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۷۰) و سیله مناسبی برای تربیت رسانه‌ای کودکان است؛ لذا موعظه و نصیحت در قالب قصه‌ها و داستان‌های قرآنی بسیار جالب و مورد پسند کودکان قرار می‌گیرند که همان‌طور که اشاره کردیم، برای این منظور خود رسانه بهترین ابزار تربیتی برای تربیت رسانه می‌تواند قرار گیرد. درمقابل برای فرزندان بزرگسال می‌بایست همراه با تکریم شخصیت، عزت نفس، محبت و مهرورزی باشد. آنچه سبب

می‌گردد، فرزند در مقابل آسیب‌های رسانه و جذابیت‌های آن از پشتوانه مادی و معنوی والایی برخوردار باشد، ملازمت، همراهی و رفاقت خانواده است. وقتی فرزند تکریم و عزت‌مندی خود را در برخورد خانواده ببیند، و از سوی دیگر شناخت کافی از مضرات و آسیب‌های رسانه را هم کسب کرده باشد. قطعاً به‌خاطر هیجانات و جذابیت‌های زودگذر، حاضر نیست که آن عزت و تکریم را از دست بدهد.

آنچه محور هر روش تربیتی‌ای در دوره نوجوانی قرار می‌گیرد همان رهنمودی بود که امام صادق(ع) بیان داشتند، که در این دوره باید ملازم و رفیق فرزند بود.

۵-۳- روش سوم جدال نیکو

مجادله زمانی اتفاق می‌افتد که دو نفر در خصوص موضوعی به بحث پرداخته و هر کدام از آن دو بر حسب امکان و با استفاده از مقدمات مسلم برای اثبات هر مطلوبی که می‌خواهد و دفاع از هر ادعایی که در نظر دارد، دلیل اقامه می‌کند، و به این شکل می‌خواهد دیگری را از عقیده‌اش برگرداند و یا عقیده و نظر خود را اثبات کند (طوسی، ۱۳۶۳، ص. ۲۳۲). ممکن است در مقام آگهی‌بخشی و بصیرت‌دهی و حتی در مقام وعظ و گفتگوی خانواده با فرزندان، فرزندان نظر به آموزه‌ها و اندیشه‌های غلط و شبهات متعددی که در ذهن و دلشان ایجاد شده، سعی در رد کردن سخنان سخنان خانواده و اثبات محق بودن خود داشته باشند؛ به‌عنوان مثال ممکن است در خصوص آزادی فردی و اجتماعی، به قوانین و الزامات شرعی و قانونی به دید تحکم، تحمیل و استبداد نگاه کرده و خواستار آزادی بیشتری باشند. یا نسبت به حساسیت‌های خانواده در خصوص آسیب‌های رسانه و القائات و پیام‌های مخرب روحی و روانی آن به دید بدبینی و ابزاری جهت کنترل فرزند، نگاه کنند.

در این‌گونه موارد که به اصطلاح فرزند در اوج مقابله و رودرویی با خانواده می‌باشد. خانواده لازم است از روش جدال احسن و نیکو جهت متقاعد ساختن فرزند بهره‌گیری کنند؛ بنابراین والدین باید متوجه باشند که مجادله وقتی نیکو به‌شمار می‌رود که با درشت‌خویی و طعنه و اهانت همراه نباشد و این به‌خاطر آن است که هدف از بحث و

مجادله، برتری‌جویی و تفوق‌طلبی و شرم‌منده ساختن طرف مقابل نیست بلکه هدف تأثیر کلام و نفوذ سخن در اعماق روح شخص مقابل است. درمقابل در بسیاری از گفتگوهای خانواده و فرزندان شاهد آن هستیم که در پایان به جای «وحدت و همبستگی»، بیشتر به اختلافات دامن زده می‌شود، دوستی‌ها کمتر و دشمنی‌ها زیاده‌تر می‌گردد و آشتی و صلح به قهر و نزاع منجر می‌شود.

۵-۴- روش چهارم تنبیه و اعمال مجازات بازدارنده

هرچند معروف است که روان‌شناسان تنبیه فرزندان را «دست‌کم تنبیه بدنی را» جایز نمی‌دانند و عدم کارایی و یا اثرات و مضرات جانبی آن را دلیل بر این امور می‌دانند، ولی باید گفت: در بسیاری از موارد، تنبیه اصلاح‌گر خوبی برای فرزندان است و ثانیاً در مواردی که تنبیه اصلاح‌گر نباشد دست‌کم اثر بازدارندگی و عبرت‌آموزی را برای سایر فرزندان دارد.

ممکن است بعضی از فرزندان علی‌رغم همه تلاش‌ها و کوشش‌های والدین همچنان نسبت به آسیب‌های رسانه غافل بوده و سعی در اصلاح الگوی مصرف رسانه‌ای خود نداشته باشند، و حتی گاهی آنقدر رفتاری افراطی نسبت به رسانه دارند که ادامه آن ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری در روح و جسم فرزند باقی بگذارد.

در این موارد که رفتار نامطلوب باید فوراً متوقف شود، به طوری که اگر متوقف نشود اثرات جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد. تنبیه، به‌خصوص تنبیهات بازدارنده از جمله تنبیه بدنی تنها راه ممکن است؛ زیرا سایر روش‌ها زمان زیادی را برای اصلاح و یا توقف رفتار نامطلوب لازم دارند، و از این‌روست که یکی از مزیت‌های روش تنبیه بر سایر روش‌ها را فوریت تأثیر آن می‌دانند، بدین جهت معمولاً روان‌شناسان، حتی کسانی که به شدت با تنبیه مخالف هستند، در مواردی تنبیه را و حتی تنبیه بدنی را، جایز می‌دانند (اکبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۱): بنابراین اصل تنبیه کودک برای تأدیب و تربیت او جایز است، و از این‌روست که فقها به جواز تنبیه کودک فتوا داده‌اند، به طوری که مرحوم عاملی در کتاب مفتاح الکرّامه می‌گوید: «أَمَّا أَنْ لَهُ الضَّرْبُ الْمُعْتَادُ فَلَا بَحْثَ فِيهِ كَمَا فِي جَامِعِ الْمُقَاصِدِ وَهُوَ

كَذَلِكَ إِذَا كَانَ الصَّبِيُّ ذَا عَقْلٍ وَ تَمَيُّزٍ كَمَا نَبَّهَ عَلَيْهِ فِي التَّذَكُّرَةِ وَالتَّحْرِيرِ وَالحَوَاشِي لِأَنَّهُ يَأْخُذُهُ مُسَلِّمًا؛
اما در اینکه برای وی زدن کودک برای ادب کردن به نحو معمولی و متعارف جایز است
هیچ بحثی نیست؛ چنانکه در کتاب جامع المقاصد در صورتی که کودک عاقل و متمیز
باشد، همین را گفته است و مرحوم علامه در کتاب‌های تذکره و تحریر و نیز حواشی آن
را مسلم گرفته است» (حسینی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۳).

همان‌گونه که در بحث موعظه متذکر شدیم، هر سن اقتضای برخوردی متفاوت دارد؛
بنابراین تنبیه فرزندان نیز باید متناسب با سن و روحيات آنان با شیوه‌های متنوع صورت
بگیرد، تا اثربخشی لازم را داشته باشند. چه بسا یک شیوه کارساز نباشد. باید بدانیم کدام
نوع از تنبیه را بکار ببریم، و اصرار نداشته باشیم همیشه مثلاً از شیوه ملامت کردن
استفاده کنیم. باید از مرحله ضعیف شروع کرد، چرا که شاید با اجرای مرحله‌ای ضعیف
از تنبیه، مثل یک تغییر چهره، کودک به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود که در این
صورت دیگر نیازی به تنبیه بدنی نخواهد بود.

در بحث تربیت رسانه‌ای بهترین نوع تنبیه، محروم‌سازی فرزند از استفاده از رسانه
است. در فرضی که فرزند بدون اعتنا به آگاهی‌بخشی و موعظه و پند و اندرز، همچنان
در بی‌بندوباری و لابلالی‌گری رسانه‌ای به‌سر می‌برد. کارسازترین نوع تنبیه
محروم‌سازی وی از رسانه است. هر چند این روش ممکن است موجب ناراحتی و
عصبانیت وی گردد؛ لکن از باب دفع افسد به فاسد، بهتر از مضرات و آسیب‌های رسانه
است که ممکن است نه‌تنها شخصیت که آینده فرزند را دچار مخاطره سازد.

محروم‌سازی فرزندان از رسانه - بدون سعی در تربیت رسانه‌ای آنان - به بهانه
محفوظ ماندن از آسیب‌های آن که بعضی از خانواده‌ها اعمال می‌کنند، به‌عنوان یک اصل
تربیتی و روش تربیتی پسندیده نیست بلکه طبق سخن مشهوری که اندیشمندان در
کتاب‌هایشان از آن استفاده می‌کنند که «الانسان حریص علی ما منع» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴،
ص ۴۰۵). محرومیت فرزندان سبب خواهد شد یا از راه‌های مخفی و پنهانی به استفاده از
رسانه رو آورند، یا در سنینی بالایی که خود توانایی استفاده از رسانه را پیدا خواهند
نمود، با حرص، شوق و اشتیاق جنون‌آوری وابسته رسانه شوند.

آنچه از محرومیت فرزندان از رسانه به‌عنوان بهترین تنبیه یاد شد، اولاً به‌عنوان یک روش موقت بوده و ثانیاً زمانی است که فرزند نسبت به آگهی‌بخشی و موعظه و کلاً فرایند تربیت رسانه، خانواده را همراهی نمی‌سازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نظر به بعضی مبانی و ادله فقهی، خانواده نسبت به تربیت فرزندان دارای تکلیف شرعی می‌باشند، این تکلیف در بعد رسانه به‌عنوان تربیت رسانه‌ای، در عصر حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای تربیت رسانه‌ای فرزندان، نظر به آیات و روایات می‌توان از سه روش اصولی، در سه مرحله از زندگی فرزندان بهره جست. در قدم اول آگهی‌بخشی فرزندان نسبت به استفاده درست از رسانه و درک آسیب‌های آن؛ در قدم دوم، بهره‌گیری از موعظه و برخورد عاطفی با فرزندان و در قدم سوم با بهره‌گیری از استدلال‌ات متقن، می‌توان جوانان را متوجه آسیب‌های رسانه و لزوم استفاده بهینه از آن ساخت؛ البته در نهایت اگر فرزندان در معرض آسیب‌های رسانه بوده، و فرصت لازم و کافی جهت بهره‌وری از روش‌های مذکور نباشد، به ناچار باید وی را از استفاده از رسانه محروم و دور ساخت؛ البته پرواضح و روشن است که از آنجاکه فرزندان در سه محیط خانواده، مدرسه و اجتماع بیشترین تأثیر پذیری را از والدین، متولیان آموزش و پرورش و سیاست‌های دولت دارند، تربیت رسانه‌ای آنان نیز بدون همراهی و هماهنگی این سه حوزه به نتیجه مطلوب نخواهد رسید؛ بنابراین لزوم تدوین برنامه تربیتی رسانه‌ای جامع که ضمن تبیین دستورالعمل‌هایی برای حوزه‌های مذکور، موجب هماهنگی این سه حوزه تربیتی خواهد شد، ضرورت دارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

احسانی، حمیده (۱۳۹۶)، نقش و تأثیر رسانه‌ها در تربیت اجتماعی و دینی کودکان، نوجوانان و خانواده، *مجله نخبگان علوم و مهندسی*، شماره ۶.

- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- اکبری، مهنوش (۱۳۸۷)، *نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام*، *مجله پیام زن*، شماره ۲۰۱.
- انصاری، مرتضی (بی‌تا)، *کتاب النکاح*، قم: تراث الشیخ الاعظم.
- برقعی، شیماسادات (۱۳۹۶)، *نقش و تأثیر رسانه در تربیت فرزندان*، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، سال دوم، شماره سوم.
- ترابی‌زاده، سمیه (۱۳۹۹)، *تأثیر فضای مجازی بر تعلیم و تربیت*، *پژوهشنامه اورمزد*، شماره ۵۱.
- چناری، مهین (۱۳۹۶)، *رسانه تصویری ابزاری برای ارتقاء تربیت کودکان*، *همایش ملی فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی*.
- حراعلی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- حسینی، سیدمحمدجواد (بی‌تا)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۳۴ق)، *تحریرالوسیله (موسوعه الامام الخمینی)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی.
- خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا)، *صحیفه نور*، بی‌جا: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، *موسوعه الامام خویی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- رازی، فخرالدین (بی‌تا)، *التفسیر الکبیر (مفتاح الغیب)*، بی‌جا، بی‌نا.
- سبزواری، سیدعبدعلی (بی‌تا)، *مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*، قم: دار التفسیر.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، *الدروس الشرعیه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، *منیه المرید*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا)، *مسالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: محمود قوچانی.

- صدر، سیدرضا (۱۴۱۵ق)، *الاجتهاد و التقليد*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۳ق)، *عروه الوثقی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸ق)، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البيت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *الخلاص*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۵ق)، *تعلیقه استدلالیه علی العروه الوثقی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، *مختلف الشیعه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فراهانی، محسن (۱۳۹۱)، *بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تربیت و رشد کودکان و نوجوانان*، پژوهشنامه تربیت تبلیغی، پیش شماره ۲.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷)، *شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی فرزندان*، فصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۳۷۲)، *الدر المنصور فی احکام الحدود*، قم: دارالقرآن کریم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بی جا: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مقدس زاده، حسن (۱۳۹۶)، *سواد رسانه‌ای و آگاهی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی*، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال دوازدهم.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۸۶)، *برگزیده تفسیر نمونه*؛ تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی.

مؤمنی، عابدین (۱۳۹۶)، مبانی فقهی وجوب تربیت، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فقه تربیتی*، سال چهارم، شماره ۸.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۳)، *جوهر النضرید*، شرح: حسن بن یوسف حلی، قم: انتشارات بیدار.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۱)، *موسوعه الفقه الاسلامی طبقات المذهب اهل البيت عليهم السلام*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.